

بسمه تعالی

گزارش نشست

بررسی سیاست خارجی فعالانه ترکیه در حوزه

پیرامونی

گزارش راهبردی شماره ۴

شهریور ۱۳۹۹



ایراسی

موسسه مطالعات ایران و اوراسیا

The Institute for Iran-Eurasia Studies

ЦЕНТР ПО ИЗУЧЕНИЮ ИРАНА И ЕВРАЗИИ

موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)، موسسه‌ای پژوهشی و غیردولتی است که از سال ۱۳۸۳ به عنوان نخستین موسسه پژوهشی تخصصی در حوزه جغرافیایی اوراسیا فعالیت خود را آغاز کرده است. هدف موسسه مطالعه زمینه‌های موضوعی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و واکاوی سیاست‌گذاری‌های معطوف به پهنه جغرافیایی اوراسیا است.

موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)

آدرس: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، بالاتر از پارک ساعی،

کوچه شهید عطاءالله امینی، پلاک ۲، واحد ۶

کدپستی: ۱۴۳۴۷۳۴۳۶۶

تلفن / دورنگار: ۸۸۷۷۰۵۸۶ - ۸۸۷۹۲۴۹۶

پایگاه اینترنتی: www.iras.ir

گزارش نشست تخصصی

بررسی سیاست خارجی فعالانه ترکیه در حوزه پیرامونی

چکیده مباحث

- سیاست خارجی ترکیه عملاً در سال‌های اخیر به مهمترین چالش داخلی این کشور تبدیل شده و بر ابعاد مهم سیاسی اجتماعی و حتی فرهنگی این کشور تاثیر جدی گذاشته است.
- نوع رفتار سیاست خارجی ترکیه ریشه در سه موضوع دارد که اولین آنها نگرانی‌های امنیتی این کشور است، موضوع دوم به ائتلاف‌های سیاسی نظامی و امنیتی که ترکیه در آنها مشارکت دارد بر می‌گردد و موضوع سوم نیز با رقابت‌های سیاسی داخلی مرتبط است.
- در دوره جدید جریانی به قدرت رسیده است که تعریف متفاوتی از ترکیه و جهان ارائه می‌دهد و کل ساختار سیاست خارجی ترکیه را دچار دگرگونی در سطوح مختلف کرده است.
- در این دوره که تمرکز بر حوزه تمدنی اسلامی است و ترویج یک الگوی فرهنگی اجتماعی در دستور کار قرار دارد، نقش و مسئولیت تاریخی و تمدنی

ترکیه و استقلال استراتژیک این کشور در سطح جهانی و مسائل منطقه‌ای مورد تاکید قرار دارد.

- نوع رفتارهایی که غرب در رابطه با ترکیه داشت باعث شد که این کشور به سمت استقلال و خودکفایی در سیاست خارجی و صنایع نظامی پیش برود.
- منطقه‌گرایی فعال ترکیه همزمان تحت تاثیر دینامیزم‌های حاکم بر شرایط بین‌المللی، گذار در نظم بین‌المللی، ظهور یک دنیای پسا آمریکایی یا ظهور قدرت‌های شرقی است.
- ترکیه الان از جایگاهی که در نظام بین‌الملل و منطقه دارد راضی نیست و تمام تلاشش این است که بتواند با کنشگری و اتحاد در منطقه موقعیت بین‌المللی خود را ارتقا دهد.
- مهمترین دلیل رفتار اردوغان این است که می‌داند نظمی در سطح بین‌المللی وجود ندارد و هر کشور جسارت بیشتری داشته باشد بیشتر برنده خواهد شد.
- دولت آقای اردوغان به دولت‌ها و قدرت‌های شرقی نزدیک شده و ما شاهد ظهور اورآسیاگرایی در سیاست خارجه ترکیه یا نگاه به شرق هستیم.

- ترکیه با خرید سامانه S-400 روسیه پیامی به متحدان غربی این کشور داد که از این به بعد برای تامین منافع ملی خود شیوه متفاوتی را به پیش خواهد برد.
- با این حال در سال‌های اخیر با توجه به عدم تقارنی که در روابط اقتصادی و روابط سیاسی ترکیه با روسیه و چین وجود دارد، این پرسش ایجاد شده است که آیا نزدیکی به روسیه و چین می‌تواند استقلال ترکیه را تامین کند یا نه؟
- اساساً شکل‌گیری شراکت راهبردی بین ترکیه و دولت‌های شرقی به دلایل مختلف بعید به نظر می‌رسد و فرهنگ راهبردی ترکیه بیشتر ناظر بر موازنه‌گری بین غرب و شرق است.
- ترکیه یک دولت در حال صعود است و این قدرت در حال صعود بر هم زننده موازنه‌های قبلی است. بنابراین تبعات امنیتی و سیاسی و استراتژیک جدی برای منطقه دارد.
- ما از سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ به بعد شاهد نظامی شدن ابزارهای سیاست خارجی ترکیه هستیم. رهبران ترکیه به این نتیجه رسیده‌اند که دستاوردهای سیاسی بدون دست آوردهای نظامی در خاورمیانه امکان‌پذیر نیست.

- در سال‌های اخیر ترکیه از ترویج مدل مورد نظر خود به تحمیل این مدل‌گرایی پیدا کرده است.
- در دوره جدید برخورد با مدلها و موازنه‌سازهای منطقه‌ای افزایش پیدا کرده و ترکیه با هر دو محور اصلی منطقه یعنی محور مقاومت و محور رقیب آن (ائتلاف سعودی- غربی) وارد تنش شده است.
- موضوع سوریه از جمله مواردی بود که عمل‌گرایی ترکیه به صورت شفاف قابل مشاهده است. ترکیه تا وقتی که امیدوار بود که برنامه ائتلاف غربی در سوریه موفق شود با این ائتلاف همکاری می‌کرد اما از زمانی که احساس کرد این برنامه موفق نیست و شکست خورده است، به راحتی و آرامی به سمت ائتلاف ایران و روسیه آمد.
- معادلات انرژی هم یکی از متغیرهای تاثیرگذار بر نقش‌آفرینی‌های ترکیه در منطقه است.
- به نظر می‌رسد منطقه‌گرایی در حال حاضر دستاویز مسائل سیاست داخلی قرار گرفته و هر چقدر حزب حاکم به لحاظ داخلی با بحران مواجه می‌شود به همان میزان امنیتی شدن رفتارهای سیاست خارجی ترکیه را مخصوصاً در مناطقی که الان مورد مناقشه هست شاهد هستیم.

- به لحاظ اقتصادی ترکیه الان با توجه به بحران کرونا و بحران سال ۲۰۱۸ یکی از بدترین شرایط اقتصادی خودش را تجربه می‌کند.
- در رابطه با ایران و ترکیه به طور همزمان ما سه روند یا محور فعال در روابط با ترکیه داریم؛ ۱. روند همکاری و تعامل، ۲. روند رقابت و ۳. روند تقابل. این سه روند به طور همزمان کار می‌کنند و تاثیر می‌گذارند.
- بحث تقابل با ایران در ترکیه بحثی درون‌زا نیست و دلیلی برای تقابل دو کشور وجود ندارد، اما از بیرون عناصری هستند که به اختلافات دامن می‌زنند.
- بحث رقابت ترکیه با ایران یک واقعیت است اما این اتفاق نظر هم وجود دارد که روابط دو کشور چند لایه و تابع چند قاعده است و این چند لایگی هم تهدیدساز بوده و هم فرصت ساز.
- یکی از قواعدی که در این روابط وجود دارد تلاش برای جداسازی مسائل دو کشور در سطح منطقه‌ای از مسائل دو جانبه است.
- به طور کلی بیش‌فعالی ترکیه در منطقه باعث شده تنش‌ها در منطقه افزایش پیدا بکند و حداقل در حوزه نفوذ ایران این موضوع باعث افزایش چالش‌های رابطه با ایران شده است، اما حتماً ترکیه تضاد با ایران را به سود خودش نمی‌بیند.

- هرچه ترکیه در سطح منطقه ظهور و بروز بیشتری پیدا کند بیش از آن که در مقابل ایران و در مقابل محور مقاومت باشد در مقابل محور رقیب ایران (ائتلاف سعودی- غربی) خواهد بود.

گزارش نشست تخصصی

بررسی سیاست خارجی فعالانه ترکیه در حوزه پیرامونی

مقدمه

ترکیه در سال‌های اخیر نقش و سیاست خارجی فعالانه‌ای را در سطح منطقه دنبال کرده است. رهبران ترکیه اگرچه در نخستین سال‌های به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه تلاش کردند تا سیاست خارجی تنش صفر را با همسایگان دنبال کنند، اما اکنون نوع بازی ترکیه در سوریه، شمال عراق، لیبی و در مسائل دیگر خاورمیانه از جمله مسئله فلسطین و اسرائیل و حتی منطقه قفقاز به گونه‌ای است که عملاً این کشور را به یک بازیگر مداخله‌گر و بعضاً غیر قابل پیش‌بینی تبدیل کرده است. با توجه به اهمیت و ضرورت رصد و تحلیل رفتار سیاست خارجی ترکیه و با توجه به این‌که رفتارهای ترکیه در منطقه به آن اندازه که اهمیت دارد در ایران به آن پرداخته نمی‌شود و مخصوصاً تحولات در ترکیه نوین به طور جدی مورد پژوهش قرار نگرفته است، موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس) طی نشستی با حضور دکتر علیرضا بیکدلی، سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در آنکارا، دکتر ولی گل محمدی استاد دانشگاه تربیت مدرس و دکتر حسن احمدیان، استاد دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران و با مشارکت دکتر مهدی

سنایی، سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در روسیه دکتر داود کیانی، آقای حسن بهشتی‌پور و دکتر محمود شوری به بررسی ابعاد مختلف سیاست خارجی ترکیه در دوران جدید پرداخته است. متن حاضر مشروح مباحث مطرح شده در این نشست می‌باشد.

ویژگی‌های سیاست خارجی ترکیه در دوره جدید

از سال ۲۰۰۲ با پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی ترکیه و متعاقب آن انتخاب رجب طیب اردوغان به نخست وزیری، جریانی در ترکیه به قدرت رسیده است که تعریف متفاوتی از ترکیه و جهان ارائه می‌دهد و کل ساختار سیاست خارجی ترکیه را دچار دگرگونی در سطوح مختلف کرده است. در دوران جدید دولت از یک دولت سکولار به دولت ناسیونال اسلام‌گرا تبدیل شد. البته یک دوره انتقالی بین این دو وجود داشت که تلاش بر این بود تا مدل ترکیه را مطرح کند. در دوره بیداری اسلامی تقلید از مدل ترکیه بحثی جدی در منطقه بود، اما به محض اینکه ترکیه از آن دوره عبور می‌کند و به یک دولت ناسیونال اسلام‌گرا تبدیل می‌شود، از جذابیت این مدل کاسته می‌شود و رقابت با آن و همچنین مشکلات ترکیه در منطقه خاورمیانه بیشتر می‌شود. در دوران دولت سکولار هدف

ترکیه پیوستن به اتحادیه اروپا و انقطاع از تاریخ و فرهنگ و حتی جغرافیای اسلامی بود و تضاد با کشورهای پیرامون و نگاه امنیتی به پیرامون در این دوره نیز بیشتر از دوره‌های دیگر است. علاوه بر این، مسئله کردی و مسئله تعامل با ایران رقیب و با کشورهای اسلامی به عنوان رقبا و حتی دشمنان، نزدیک شدن به اسرائیل، نزدیک شدن به آمریکا و بازی در محدوده و دایره غربی از مسائل مهم سیاست خارجی در دوره سکولار بود. در دوره انتقالی تمرکز بر پیرامون بالا می‌رود و در واقع صفر کردن کردن مشکلات با کشورهای همسایه یکی از مسائل محوری در این دوره بود. لذا گذار از یک بازی حاصل جمع صفر با منطقه به یک بازی کاملا تعاملی و با برآیند مثبت برای ثروت آفرینی ترکیه در این دوره صورت می‌گیرد. تصور بر این بود که این سیاست مزیت‌های ترکیه در منطقه را افزایش خواهد داد.

در دوره ناسیونالیسم اسلامگرا بسیاری از سیاست‌های قبلی ادامه پیدا می‌کند اما تمرکز بر حوزه تمدن اسلامی است. هر چند تمرکز بر ابعاد اقتصادی هم وجود دارد، منتها مباحث هویتی در حزب حاکم و جریان و رقبای این حزب که از دل خودشان بیرون آمدند یک اولویت است و مسائل اقتصادی در این چارچوب کانالیزه و مطرح می‌شود. دوره ناسیونالیسم اسلامگرا در حوزه تمدنی ویژگی‌های خاصی

دارد و یک الگوی سیاستی متفاوت را برای منطقه و نه فقط برای ترکیه مطرح می‌کند که نمود آن را می‌توان در سخنان آقای اردوغان در قاهره در جریان انقلاب مصر مشاهده کرد. دومین ویژگی این دوره ترویج یک الگوی فرهنگی اجتماعی است که در سطح دیپلماسی عمومی و سیاست نرم به شدت فعال است و به طور مشخص در سریال‌ها و فیلم‌های ترکی به شدت تبلیغ می‌شود. این تصویر یک اسلامگرایی مدرن بسیار جذاب از ترکیه برای جوامع اسلامی ارائه می‌کند.

سومین ویژگی تاکید بر یک عصر تاریخی یا عثمانی‌گرایی -البته نه ضرورتاً احیای امپراتوری عثمانی- است. هدف اصلی طرح این موضوع است که ترکیه به خاطر سابقه تاریخی تمدنی مسئولیت‌های تاریخی در حوزه اسلامی دارد. چهارمین ویژگی نقش تمدنی است که ترکیه برای خودش ترسیم می‌کند و در واقع یک نقش فرامرزی و اثرگذار در سطح منطقه‌ای است. پنجمین ویژگی که اهمیت زیادی دارد استقلال استراتژیک ترکیه در سطح جهانی و مسائل منطقه‌ای است. این‌ها ویژگی‌هایی است که رویکرد جدید ترکیه را ترسیم می‌کند. اهمیت این رویکرد برای منطقه ما زیاد است و در این فضا اولویت‌های سیاست خارجی ترکیه در منطقه تعریف می‌شود. در این رابطه نکته اول این است که ترکیه تعریف جدیدی از خود و از جهان ارائه می‌کند و در نگاه نخبگان حاکم حوزه تمدنی

ترکیه فراتر از ترکیه معاصر تعریف می‌شود. در دو دهه قبل امکان‌پذیر نبود که ترکیه در این سطح در منطقه مداخله کند و به عنوان مثال بدون هیچ مشکلی وارد سوریه یا لیبی بشود. این موضوع محصول تغییر در جهان بینی نخبگان حاکم است. نکته دوم اینکه طرح و سپس گسترش مدل خاص ترکیه یکی از ویژگی‌ها و اولویت‌های ترکیه در سطح منطقه‌ای است. سوم اینکه ترکیه از دولت اقتصادی بازرگانی به دولت امنیتی در حال گذار است که این موضوع تبعات نظامی منطقه‌ای داشته و دارد. چهارم اینکه ترکیه از ترویج مدل مورد نظر خود به تحمیل این مدل‌گرایی پیدا کرده است. به طور مشخص در سوریه و لیبی این شیوه دنبال شده است که می‌توان آن را گرایش به گره زدن منافع اقتصادی به سطح نظامی و تحمیل سلطه ترکیه در مناطق پیرامون تعریف کرد. و نکته آخر اینکه در دوره جدید برخورد با مدلها و موازنه‌سازهای منطقه‌ای افزایش پیدا می‌کند و ترکیه با هر دو محور اصلی منطقه یعنی محور مقاومت و محور رقیب آن وارد تنش می‌شود. این موضوع که تاکنون سابقه نداشته برای ترکیه تبعات اقتصادی داشته و یکی از نمودهای گذار از دولت اقتصادی به دولت نظامی امنیتی است.

در این فضا ترکیه در وهله نخست به عنوان یک مدل مطرح می‌شود که البته بعد از دوره گذاری که تجربه کرد و ورود به دوره جدید، مخصوصاً بعد از کودتای ۲۰۱۵ و سرکوب داخلی و تحولاتی که اتفاق افتاد، جذابیت این مدل کاهش پیدا کرد و حداقل در سطوح خارج از جریان‌های همسو و همفکر با حزب حاکم و جریان حاکم در ترکیه در سطح منطقه‌ای این نکته جذابیت چندانی ندارد. نکته دوم اینکه در این دوره ترکیه به عنوان یک رقیب با قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران، عربستان و اسرائیل وارد رقابت می‌شود. این یکی از ابعاد جدید حیات ترکیه است که ترکیه به عنوان رقیب جدی در منطقه وارد شده و اثرگذار است و به تحولات جهت می‌دهد. نکته بعدی اینکه ترکیه یک دولت در حال صعود است و این قدرت در حال صعود بر هم زنده موازنه‌های قبلی است. بنابراین تبعات امنیتی و سیاسی و استراتژیک جدی برای منطقه دارد و بعد چهارم اینکه ترکیه به عنوان راس یک محور اسلام‌گرایی در منطقه شناخته می‌شود. جریان اسلام‌گرایی سنی در منطقه نزدیکترین گرایش‌های فکری را به ترکیه دارد و در واقع امتداد ترکیه در نظر گرفته می‌شود. بنابراین در مقابل محورهایی که در مقابل این جریان قرار می‌گیرند موضوع می‌گیرد و برای آن هزینه اقتصادی و نظامی می‌کند و هیچ ابایی ندارد که به محورهای رقیب را در این زمینه به چالش بکشد. بعد دیگری که

می‌شود به این بحث اضافه کرد این است که بر خلاف بحثی که می‌گوید سیاست خارجی امتداد سیاست داخلی است، در مورد ترکیه و در این دوره جدید یک جریان برعکس هم وجود دارد و سیاست خارجی در خدمت تحکیم سیاست داخلی قرار می‌گیرد. در واقع هویت متحول سیاست خارجی را شکل می‌دهد و سیاست خارجی هم آن ساختار را تحکیم می‌کند.

نتایج پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که منطقه‌گرایی فعال ترکیه همزمان تحت تاثیر دینامیزم‌های حاکم بر شرایط بین‌المللی، گذار در نظم بین‌المللی، ظهور یک دنیای پس‌آمریکایی یا ظهور قدرت‌های شرقی است. همزمان ما هم شاهد تحولات در نظام بین‌الملل و تحولات در سیاست داخلی ترکیه هستیم.

اردوغان یک هدف بسیار بلند مدت دارد و تلاشش این است که موقعیت جغرافیایی بین‌المللی ترکیه را در شرایط نوین بین‌المللی یا فضایی که می‌خواهد در آینده نزدیک شکل بگیرد در ساختار قدرت بین‌المللی ارتقا دهد. در منطقه هم خصوصاً بعد از خیزش جریان‌های انقلابی در جهان عرب به این نتیجه رسیده است که کلاً این کشورها درگیر بحران مشروعیت داخلی خود هستند و به همین دلیل مسئله امنیت نظام‌های سیاسی اهمیت بالایی برای رهبران جهان عرب دارد. جمهوری اسلامی ایران هم به عنوان یک رقیب دیگرش تحت فشارهای غرب قرار دارد.

بنابراین شرایط بسیار مهیا شده برای اینکه بتواند یک کنشگری فعال در منطقه داشته باشد. مهمترین دلیل رفتار اردوغان این است که می‌داند نظمی در سطح بین‌المللی وجود ندارد و هر کشور جسارت بیشتری داشته باشد بیشتر برنده خواهد شد. مانوری که اردوغان در سطح منطقه می‌دهد یک بخشش بخاطر آن است که احساس کرده برگ برنده در اختیار دارد و نه نظم جهانی تأثیر به‌سزایی در تحولات منطقه دارد و نه ائتلاف غربی که خود ترکیه هم در چارچوب ناتو عضوی از آن به شمار می‌آید. به معنای دیگر نظمی که باید توسط سازمان ملل و شورای امنیت تامین شود اینقدر دچار اختلال هست که یک قدرت منطقه‌ای به خودش اجازه می‌دهد که برای خودش مرزهای جدیدی ترسیم کند و اقدامات مداخله‌جویانه انجام بدهد.

اردوغان چندین سال است که در سازمان ملل در سخنرانی‌های مختلف می‌گوید دنیا از ۵ (پنج عضو شورای امنیت) بزرگتر است. علاوه بر این، در دهه اخیر مرادفات تجاری و اقتصادی ترکیه در حال متنوع شدن است و سیاست‌های کلان ترکیه به سمت متنوع‌سازی روابط خارجی و سیاست خارجی پیش می‌رود. رویکردها و اهداف سیاست خارجی هم چندجانبه‌گرایانه است و هم چند وجهی و در عین حال نوعی از عمل‌گرایی صریح و شفاف در رفتار سیاست خارجی ترکیه

مشاهده می‌شود. این عمل‌گرایی را می‌توان به رویکردهای اقتصادی دولت اردوغان نیز نسبت داد. یعنی به موازات گذار ترکیه از دولت بازرگانی اقتصادی به یک دولت امنیتی - نظامی (یا برعکس) این عمل‌گرایی کاهش یا افزایش پیدا خواهد کرد. موضوع سوریه از جمله مواردی بود که عمل‌گرایی ترکیه به صورت شفاف قابل مشاهده است. ترکیه تا وقتی که امیدوار بود که برنامه ائتلاف غربی در سوریه موفق شود با این ائتلاف همکاری می‌کرد اما از زمانی که احساس کرد این برنامه موفق نیست و شکست خورده است، به راحتی و آرامی به سمت ائتلاف ایران و روسیه آمد. در آن زمان با توجه به اینکه ایران دغدغه‌های زیادی داشت و روسیه هم معتقد بود که جدا کردن ترکیه از ائتلاف غربی ارزشمند است تغییر رویکرد ترکیه مورد استقبال قرار گرفت.

متغیرهای تأثیرگذار بر سیاست خارجی ترکیه

بحث سیاست خارجی ترکیه با توجه به ماهیت پیچیده‌ای که به لحاظ جغرافیای، سیاست داخلی و به ویژه اضافه شدن عاملیت رهبری در سال‌های گذشته دارد، با توجه به نوع تفکرات اتاق فکر آقای اردوغان و شخص ایشان، یک پدیده چند وجهی پیچیده است. پرسش این است که در دهه اخیر چه نیروها یا عواملی باعث

شده ترکیه در منطقه سیاست فعالانه‌ای را دنبال کند و اینکه در معادلات در حال تغییر منطقه‌ای در سطوح مختلف به کدام متغیرها می‌توانیم وزن بیشتری بدهیم؟ سیاست خارجی امروز ترکیه از سه منبع ریشه می‌گیرد که اولین آنها نگرانی‌های امنیتی است، این نگرانی‌ها نگرانی‌هایی هستند که ریشه در تاریخ، جغرافیا، تجربه و واقعیت‌های میدانی ترکیه دارند و این نگرانی‌ها برای ما که همسایه ترکیه هستیم حائز اهمیت است. منبع دوم متاثر از ائتلاف‌های سیاسی نظامی امنیتی ترکیه است. اگرچه اخیراً در حال تغییر و تحولاتی می‌باشد ولی به هر حال در سالیان طولانی عضویت در ناتو، علاقه پیوستن به اتحادیه اروپا، رابطه با آمریکا و اخیراً در دوره آقای اردوغان علاقه به‌گرایش به جهان اسلام و کشورهای پیرامونی، مواردی هست که به عنوان یک واقعیت بر سر راه سیاست خارجی ترکیه قرار دارد. اما بخش سوم مسائل داخلی است که مورد اشاره قرار گرفت. انتخابات، رقابت حزبی و صندوق رای از جمله مسائلی است که است که بر روند سیاست خارجی ترکیه تأثیرگذار است.

در خصوص نگرانی‌های امنیتی ترکیه نکته حائز اهمیت این است که این نگرانی‌ها آن دسته از رویدادهایی است که هر دو طیف ترکیه نسبت به آن حساسیت دارند. هرچند این دو طیف در شیوه برخورد با این دغدغه‌های امنیتی با هم دچار

اختلاف هستند، اما در مورد اینکه این نگرانی‌ها جدی هستند اختلاف نظری ندارند. یک بخش از این نگرانی‌ها از تجربیات تلخ ترکیه و به ویژه از جنگ‌هایی که در بالکان اتفاق افتاد و از همه مهمتر جنگ جهانی اول که به فروپاشی امپراتوری و تحمیل برخی معاهدات به ترکیه جدید منجر شد، نشأت می‌گیرد. امروزه در صحبت‌های آقای اردوغان می‌بینیم که مرتباً انتقاد خودش را از آن معاهدات به خصوص معاهده ۱۹۲۰ و لوزان ۱۹۲۳ اعلام می‌کند. اکنون این کشور دنبال راهی می‌گردد که بتواند از این بن‌بست‌ها خودش را خلاص کند.

مسئله دوم بحث هویت است. در دوره‌ای هویت ترکی به یک هویت سکولار محدود شد. پس از جنگ جهانی دوم به دلیل نگرانی از پیشرفت کمونیسم هویت اسلامی به ناگزیر به رسمیت شناخته شد اما تاکنون چندین بار نظامی‌ها علیه آن کودتا کرده‌اند. کما فی‌السابق به نظر می‌آید که غربی‌ها می‌خواهند این بعد از هویت ترکی را نادیده بگیرند. کنش‌ها و عکس‌العمل‌هایی که از درون ترکیه نسبت به این تلاش بروز پیدا می‌کند را از رفتارهای دولت ترکیه که در حال حاضر نماد و نماینده این هویت است می‌توان درک کرد که یکی از آخرین موارد آن تصمیم در مورد مسجد ایاصوفیه بود.

از طرف دیگر ما متغیر اقتصاد را داریم. در ترکیه الان این کشور با توجه به بحران کرونا و بحران سال ۲۰۱۸ یکی از بدترین شرایط اقتصادی خودش را تجربه می‌کند. ترکیه ۴۳۴ میلیارد دلار بدهی خارجی دارد و امسال ۱۷ میلیارد دلار از ذخایر ارزی خود برداشت کرده است. در سپتامبر سال جاری ترکیه باید ۱۷۲ میلیارد دلار از بدهی خودش را پرداخت کند که از این مبلغ ۸۰ میلیارد دلار را می‌تواند پرداخت کند و هنوز منبعی برای مابقی آن وجود ندارد. از طرف دیگر اردوغان مخالف اخذ وام از نهادها و سازمان‌های غربی است. با این حال، متغیر اقتصاد در آینده قابل پیش‌بینی حداقل روی منطقه‌گرایی فعال ترکیه تاثیر زیادی نخواهد داشت چرا که اولویت رویکرد امنیتی سازی بیشتر است.

در سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ که بحران‌های مالی رخ داد باعث شد تفکرات اقتصادی ترکیه به سمت توسعه بازارهای صادراتی در محیط پیرامونی خودش برود. به همین دلیل از سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ شرکت‌های رو به رشد ترکیه که اقتصاد و تجارت خارجی این کشور را به پیش می‌برند، نفوذ بسیار گسترده‌ای در مناطق مختلف از خلیج فارس و شمال آفریقا و خاورمیانه گرفته تا بازارهای شرق آسیا و آسیای مرکزی و روسیه پیدا می‌کنند. طی این سال‌ها هر روز انگیزه‌ها و متغیرهای اقتصادی در سیاست خارجی چندجانبه‌گرایی ترکیه پررنگ‌تر شده و در سطح

راهبردی و امنیتی و سیاسی نیز شاهد توسعه روابط ترکیه با قدرت‌های مختلف در قالب چندجانبه‌گرایی هستیم.

یک متغیر دیگر در سیاست خارجی ترکیه متغیر انرژی است. ترکیه برای کاهش وابستگی خودش به روسیه به دنبال ایجاد پیوند میان حوزه گسترده‌ای از شمال عراق و قطر و سودان و اسرائیل بود که سوریه هم در آن قرار می‌گرفت. از این نظر سوریه مهمترین مانع سیاسی برای تبدیل شدن ترکیه به یک هاب انرژی در منطقه بود. هر چند در سال‌های اخیر ترکیه سعی کرده است تا نیروگاه‌های هسته‌ای خود را تقویت کند و با ژاپن و اخیراً چینی‌ها در نزدیک دریای سیاه طرح‌هایی را در حال اجرا دارند اما این طرح‌ها نمی‌توانند پاسخگوی نیازهای کلیدی ترکیه به انرژی باشند. حتی منبع گاز جدیدی که ترکیه در دریای سیاه کشف کرده تنها ۱۱ درصد از نیازهای این کشور را تامین می‌کند. بنابراین نیازی که ترکیه به انرژی دارد رفتارهای سیاست خارجی و منطقه‌ای این کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهد. علاوه بر این ترکیه می‌خواهد موقعیت خودش را به عنوان هاب ترانزیت و صادرات انرژی تثبیت کند که این موضوع هم تعیین کننده است.

در لیبی هنوز تکلیف دولت مرکزی مشخص نشده اردوغان با دولت وفاق ملی در خصوص تعیین حدود دریایی وارد مذاکره شد تا مانعی که در رابطه با یونان بود

را دور بزند و بتواند سهمی در معادلات و اکتشافات جدید در حوزه شرق مدیترانه داشته باشد.

حتی مناقشه اخیر میان آذربایجان و ارمنستان بیش از آن که به اختلافات میان دو کشور مرتبط باشد، به رقابت‌های منطقه‌ای بر سر خطوط لوله انرژی مرتبط است. چرا که منطقه درگیری محل عبور خطوط انتقال گاز آذربایجان به ترکیه بود. واقعیت این است که در سال‌های اخیر بیش از ۷۰ درصد از صادرات گاز روسیه به ترکیه - که یکی از منابع مهم درآمد روسیه به شمار می‌آید- کاهش پیدا کرده است.

روابط ترکیه با قدرت‌های بزرگ

نوع روابط ترکیه با قدرت‌های غربی و به ویژه آمریکا یکی از موضوعات پیچیده و بحث برانگیز در سیاست خارجی ترکیه است. در حال حاضر رفتارهای آمریکا و غرب بیشتر علیه ترکیه است. آقای اردوغان سال گذشته در مراسمی که صدمین سالگرد کنگره آتاتورک بود اشاره کرد که همسایه بد آدم را صاحب خانه می‌کند. منظور اردوغان این بود که اینقدر غربی‌ها به ما بدی کردند که ما را مجبور کردند به سمت استقلال پیش برویم. اردوغان مشخصاً در صنایع نظامی به مواردی اشاره می‌کند که غربی‌ها توقعات ترکیه را برآورده نکردند و ترکیه به سمت خودکفایی

پیش رفت. در روابط ترکیه با ناتو نیز در حوزه‌های مختلف اختلاف نظر یا گلایه‌هایی وجود دارد. مثلاً در بحث خرید سامانه دفاع هوایی، ترکیه برای خودش تهدیدهایی قائل هست و به سامانه‌هایی که کلیدش در دست دیگران باشد اعتماد ندارد. وقتی که اروپا و آمریکا و حتی چین از دادن این تجهیزات به ترکیه امتناع می‌کنند به سمت روسیه می‌رود. مقام‌های ترکیه می‌خواستند این سامانه‌ها را از چین بخرند و حتی قرارداد را هم بستند. اما در اجلاس G۲۰ در آنتالیا آقای اوپاما آمدن خودش را منوط به لغو این قرارداد کرد. در بحث ساخت نیروگاه اتمی نیز با توجه به اینکه ترکیه کشوری است که مشکل انرژی دارد و سالانه ۶۰ میلیارد دلار هزینه سوخت می‌دهد این حق را برای خودش قائل هست که مثل اروپایی‌ها چنین امتیاز و فناوری را داشته باشد. اما از سال ۱۹۷۵ بارها ساخت نیروگاه هسته‌ای آکویو را به مناقصه گذاشتند و ۵ بار هم شرکت‌های غربی شرکت کردند و هر بار به بهانه‌ای حاضر نشدند با ترکیه ادامه بدهند و نهایتاً باعث شد ترکیه به سمت روسیه برود.

موضوع دیگر در روابط ترکیه و آمریکا موضوع کودتاهای متعدد در ترکیه است که برخی از آنها الان پرونده‌اش دارد باز می‌شود. به عنوان مثال کودتای ۱۹۸۰ که بهانه‌اش بحث چپ‌گرایی و مسائل داخلی بود اما بعداً مشخص شد کودتایی

آمریکایی برای کنترل ترکیه در مقابل صدور انقلاب ایران بوده است. بحث هایی هم در مورد نقش آمریکایی ها در کودتای ۱۹۹۷ علیه اربکان وجود دارد. در مورد کودتای سال ۲۰۱۶ نیز خود آقای اردوغان و تیم ایشان اعتقاد دارند که آمریکایی ها پشت آن بوده اند. اینها مسائلی هست که بر سیاست خارجی ترکیه تاثیر می گذارد.

غربی ها در حال حاضر معتقدند چاره ای جز مهار ترکیه تا زمانی که تحولی در آن اتفاق بیفتد ندارند. بایدن می گوید که ما پای صندوق این کار را می کنیم. این موضوع نشان می دهد در آمریکا روی تغییرهای سخت در ترکیه دارند برنامه ریزی می کنند.

از سوی دیگر، دولت آقای اردوغان در سال های اخیر به دولت ها و قدرتهای شرقی نزدیک شده و ما شاهد ظهور اورآسیاگرایی در سیاست خارجه ترکیه یا نگاه به شرق هستیم. در دهه گذشته روسیه و چین به مهمترین شرکای تجاری ترکیه تبدیل شده اند. اگر تجارت خارجی ترکیه را از سال ۲۰۰۰ تا به حال مقایسه کنیم متوجه می شویم که سهم این کشورها به ۳۷ درصد رسیده و به همین میزان سهم اتحادیه اروپا و آمریکا از تجارت خارجی ترکیه کمتر شده است.

زمانی که اولین محموله سامانه S-400 روسیه در سال ۲۰۱۹ وارد ترکیه شد، آقای اردوغان در سخنرانی خود به مناسبت سومین سالگرد شکست کودتای سال ۲۰۱۶ گفت که این خرید مهمترین خرید تاریخ ترکیه است. اردوغان از این طریق پیامی به متحدان غربی ترکیه داد که از این به بعد برای تامین منافع ملی این کشور شیوه متفاوتی را به پیش خواهد برد. از دهه ۱۹۹۰ و بعد از فروپاشی شوروی رهبران ترکیه احساس کردند که دیگر از وزن راهبردی که در دوره جنگ سرد برای غرب داشتند برخوردار نیستند. در سال‌های بعد با آمدن رهبران جدید مثل آقای اردوغان به این موضوع به عنوان یک فرصت تاریخی برای تامین سلاح‌های راهبردی خودشان نگاه کردند. این موضوع تا حدود زیادی به استقلال ترکیه کمک کرد. با این حال در سال‌های اخیر این پرسش وجود دارد که آیا نزدیکی به روسیه و چین می‌تواند استقلال ترکیه را تامین کند یا نه؟ با توجه به عدم تقارنی که در روابط اقتصادی و روابط سیاسی ترکیه با روسیه و چین وجود دارد، این نگرانی هم در داخل حزب عدالت و توسعه و هم در میان اپوزیسیونی که در داخل ترکیه هستند به شدت افزایش پیدا کرده است. به عنوان مثال سال ۲۰۱۹ روابط تجاری ترکیه با چین ۲۴ میلیارد دلار بود که ۲ میلیارد آن صادرات ترکیه به چین بود. در رابطه با روسیه هم به همین وضعیت حاکم است. با توجه به اینکه انرژی سهم

بالایی در روابط اقتصادی روسیه با ترکیه دارد، از ۲۳ میلیارد دلار تجارتی که بین دو کشور هست ۳ میلیارد دلار سهم صادرات ترکیه به روسیه است. این موضوع بر روی کنش سیاسی ترکیه تاثیر می‌گذارد و باعث می‌شود که ترکیه با توجه به عدم تعادل قدرت و وابستگی نامتقارنی که وجود دارد ناگزیر به سمت دنباله‌روی از تفکرات و اولویت‌های سیاسی امنیتی روسیه و چین بروند. به عنوان مثال اردوغان در مورد مسئله اوکراین تا حدود زیادی سکوت کرده است. این در حالی است که ترکیه اولین کشور اروپایی است که از دینامیزم‌های دریای سیاه متاثر می‌شود و منافع گسترده‌ای در این منطقه دارد. ترکیه مخصوصاً در روابطی که با بالکان و جنوب قفقاز دارد و در تفکرات نوین دریایی خودش به شدت متاثر از تفکرات توسعه طلبانه روسیه خواهد شد، اما تاکنون جز یک انتقاد توخالی و اینکه ما الحاق کریمه به روسیه را به رسمیت نمی‌شناسیم اعتراض دیگری نداشتند و حتی با تحریم‌های غرب علیه روسیه همراهی نکردند. این وابستگی را در مسئله سوریه و عقب نشینی اردوغان در موضوع ساقط شدن جنگنده روسی شاهد هستیم. البته اساساً شکل‌گیری شراکت راهبردی بین ترکیه و دولت‌های شرقی به دلایل مختلف بعید به نظر می‌رسد و فرهنگ راهبردی ترکیه بیشتر ناظر بر موازنه‌گری بین غرب و شرق است. مخصوصاً اگر روابط ترکیه و روسیه را از قرن

۱۵ میلادی نگاه کنیم، ترکیه ۱۵ جنگ با روسیه داشته که در اکثر آنها شکست خورده است. به همین دلیل همیشه احساسی از تهدید نسبت به روسیه وجود دارد. با وجود همه تصویرسازی‌هایی که از آقای پوتین در ترکیه به ویژه از سوی رسانه‌های روسی صورت گرفته است، در نظر سنجی سال ۲۰۱۹ میزان اعتماد جامعه ترکیه به پوتین ۲۰ درصد بوده است، در حالی که این رقم در مورد ترامپ ۲۳ درصد است.

به طور کلی نوع روابط ترکیه با قدرت‌های بزرگ از نوع رابطه‌اش با قدرت‌های منطقه‌ای رقیب متفاوت است. در منطقه ترکیه به دنبال نفوذ است و نوعی از موازنه قدرت را در برابر قدرت‌های دیگر دنبال می‌کند، اما در رابطه با قدرت‌های بزرگ به دنبال موازنه قدرت نیست و به دنبال موازنه حل و فصل‌ها Balance of Resolutions است. یعنی به دنبال موازنه در رسیدن به یک نتیجه و سهیم شدن در حل و فصل در یک مناقشه است.

سیاست خارجی منطقه‌ای ترکیه

منطقه پیرامونی ترکیه اساساً منطقه‌ای استراتژیک است. ترکیه همزمان با چندین منطقه بسیار استراتژیک از شامات و شرق مدیترانه گرفته تا بالکان و جنوب قفقاز

همسایه است. این ویژگی باعث شده تا رهبران ترکیه به عنوان یک دارایی راهبردی به این موقعیت خودشان نگاه کنند و این موقعیت به یک ابزار بسیار کلیدی برای کنشگری ترکیه تبدیل شده است.

مسئله دیگری که بیشتر ناظر بر تحولات محیطی و پیرامونی و تجربه‌ای که آقای اردوغان از تحولات سوریه و شمال عراق و مسئله کردی به دست آورده است، می‌باشد، این است که ترکیه به یک واقعیت و یک اصل در سیاست منطقه‌ای خودش رسیده و به واسطه آن ما از سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ به بعد شاهد نظامی شدن ابزارهای سیاست خارجی ترکیه هستیم. رهبران ترکیه به این نتیجه رسیده‌اند که دستاوردهای سیاسی بدون دستاوردهای نظامی در خاورمیانه امکان‌پذیر نیست. تجربه سوریه به ترکیه نشان داد که تا زمانی که سرزمینی را تحت کنترل خود در نیاورده نمی‌تواند در میز مذاکره حرفی برای گفتن داشته باشد. در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ رهبران ترکیه تلاش داشتند با روش‌های نرم و تبلیغ مدل توسعه ترکیه می‌خواستند اهداف خود را در منطقه به پیش ببرند اما متوجه شدند که در خاورمیانه امروز با این روش‌ها موفق نخواهند شد. به همین دلیل از سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ به سمت استفاده از ابزارهای نظامی پیش رفتند. در واقع ترکیه به این نتیجه رسید که برای محقق کردن اهداف خودش باید ورود

مستقیم نظامی داشته باشد و برای خودش متحدان محلی درست کند. به عنوان مثال در شمال سوریه که مورد توجه دستگاه‌های دیپلماسی و امنیتی ما هم نیست، الان ترکیه از طریق مهندسی اجتماعی شرایطی را ایجاد کرده است که اگر امروز فراندوم برگزار شود ترکیه دست برتر را خواهد داشت. در آنجا الان لیر ترکیه خریداری می‌شود و تمامی ادارات اسامی ترکی دارند و در ادارات هم زبان ترکی رایج است. ترکیه بیست و یک مدرسه ابتدایی و دبیرستان و غیره در آنجا تاسیس کرده و چهار از شعبه از دانشگاه‌های ترکیه نیز در آنجا فعال هستند. این اقدامات حتماً در آینده سوریه تاثیرگذار خواهد بود. ترک‌ها این مناطق را تحت سلطه خود دارند و تمام استاندارها و شهردارها با نظر آنکارا انتخاب می‌شوند. این مثال نشان می‌دهد که تفکر مداخله‌گرایی نظامی ترکیه تا چه حد تحت تاثیر برداشتی است که اساساً احساس می‌کند در خاورمیانه باید از تمامی ابعاد قدرت استفاده کرد.

علاوه بر این، منطقه‌گرایی در حال حاضر دستاویز مسائل سیاست داخلی قرار گرفته و هر چقدر حزب حاکم به لحاظ داخلی با بحران مواجه می‌شود به همان میزان امنیتی شدن رفتارهای سیاست خارجی ترکیه را مخصوصاً در مناطقی که الان مورد مناقشه هست شاهد هستیم. از این جهت تا دورنمای ۲۰۲۳ به نظر

می‌رسد ماجراجویی‌های نظامی سیاسی آقای اردوغان در منطقه تحت تاثیر سیاست‌های داخلی افزایش پیدا می‌کند.

در بحث فلسطین با توجه به تحولاتی که در سیاست خارجی ترکیه ایجاد شده ترکیه الان به جایی رسیده است که نمی‌تواند صرفاً در این مباحث موضع نمایشی داشته باشد. ملت ترکیه نسبت به مسائل فلسطین و غزه حساسیت‌های جدی دارند. در موضوع انتقال پایتخت رژیم صهیونیستی اردوغان تهدید کرد که رابطه‌اش را با اسرائیل قطع می‌کند و به نظر می‌رسد بلاخره این کار انجام خواهد شد.

نسبت سیاست خارجی و سیاست داخلی

روند سیاست خارجی ترکیه در سال‌های اخیر در داخل ترکیه موجب تشکیل دو طیف متفاوت شده است. طیف اول که بیشتر شامل روشنفکران و بعضاً جریان‌ها و گروه‌های مخالف حکومت می‌شود، بر این باور است که این روند در مجموع به نفع ترکیه نمی‌باشد. مهم‌ترین ایرادی که این طیف نسبت به این تحولات می‌گیرد این است که تحولات دو دهه اخیر موجب تحکیم قدرت یک حزب شده و بیشتر رویکرد داخلی داشته است و بدون جهت‌گیری نظام‌مند و نظریه مشخص در حوزه

سیاست خارجی در حال اجراست و روایت‌هایی که از آن ارائه می‌شود روایت‌های خود حزب عدالت و توسعه است

طیف دوم طیف حاکم است که طی سه دهه گذشته حداقل سه دوره متفاوت را پشت سر گذاشته است. دوره اول از سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹ را شامل می‌شود و از ۲۰۰۹ تا کودتای سال ۲۰۱۶ - یعنی زمانی که آقای داوود اوغلو وزیر امور خارجه شد و بعد به دبیر کلی حزب رسید و پس از آن هم برکنار شد - دوره دوم را تشکیل می‌دهد. بعد از کودتا نیز دوره جدیدی آغاز شده است. این طیف معتقد است ترکیه یک کشور کلیدی است که در دوران گذار و سرنوشت ساز به سر می‌برد و با حضور فعالانه در عرصه تحولات می‌تواند جایگاه جدیدی را برای خود ایجاد کرده و از تهدیدهایی که بر سر راهش وجود دارد عبور کند

محور اصلی بحث این طیف استقلال واقعی ترکیه مدرن است، یعنی ترکیه‌ای که یکصد سال پیش بندهایی به پایش زده بودند رفته رفته از این بندها خلاص می‌شود و جایگاه یک کشور قدرتمند را در منطقه کسب می‌کند. شکاف بین این دو طیف خیلی عمیق است و روز به روز هم عمیق تر می‌شود. این مسئله موجب شده است که سیاست خارجی ترکیه عملاً به مهمترین چالش داخلی تبدیل شود و بر ابعاد مهم سیاسی اجتماعی و حتی فرهنگی این کشور تاثیر جدی بگذارد. از

این نظر می توان گفت که رویکرد سیاست خارجی ترکیه بسیار درونگرا به مسائل داخلی است.

یکی از موضوعاتی که بر کنشگری فعال ترکیه در منطقه تاثیر می گذارد بحرانی است که حزب عدالت و توسعه در داخل با آن مواجه است. واقعیت این است که در پنج سال گذشته حزب عدالت و توسعه هژمونی خودش را در صحنه سیاست داخلی ترکیه از دست داده است. به همین دلیل یکی از استراتژی‌هایی که این حزب دنبال می کند بحث برون‌سازی مسائل سیاست داخلی و درونی‌سازی مسائل سیاست خارجی است. یعنی اینکه آقای اردوغان به خوبی می تواند چالش‌ها و بحران‌هایی که در داخل با آن مواجه است را در سیاست خارجی داخل کند و با آن بازی کند و در مقابل از موضوعات سیاست خارجی مانند مسئله سوریه، پناهنجویان، انرژی و مسئله فلسطین برای بهره‌گیری در مسائل داخلی استفاده کند و از آنها به عنوان اهرمی برای شکل دهی به ائتلاف سیاسی و تهدید مخالفانش استفاده کند. در شرایط موجود مسئله کرونا بر روی ظهور جریان‌های جدید در سیاست داخلی ترکیه که به نوعی می خواهند موازنه دولت را در داخل به هم بزنند تاثیر گذاشته است. جدای از اپوزیسیونی که وجود دارد ما شاهد شکل‌گیری دو جریان جدید در داخل حزب عدالت و توسعه هستیم؛ یکی جریان وابسته به احمد

داوداوغلو نخست وزیر سابق و دیگری جریان وابسته به علی باباجان وزیر اقتصاد سابق. این جریان‌ها می‌توانند شرایط را برای آقای اردوغان دشوار کنند. آمارها نشان می‌دهد آرای حزب عدالت و توسعه که قبل از کرونا حدود ۴۵ درصد بود الان به ۳۶ درصد رسیده است. حزب علی باباجان (دموکراسی و پیشرفت) حدود ۳۶ درصد از آرا را به خودش اختصاص داده است. علی بابا جان که خودش از دل حزب عدالت و توسعه بیرون آمد و به عنوان وزیر اقتصاد اردوغان ناجی اصلی اقتصاد ترکیه به شمار می‌رود، الان ایده‌های جدیدی برای توسعه روابط اقتصادی ترکیه دارد. به همین دلیل به نظر می‌رسد که آقای اردوغان در سال ۲۰۲۳ انتخابات سختی خواهد داشت.

نکته حائز اهمیت دیگر در بحث نسبت میان سیاست خارجی و داخلی این است که از سال ۲۰۱۴ که نظام سیاسی ترکیه از پارلمانی به ریاستی تغییر می‌کند، محذورات ساختاری اردوغان کاهش پیدا می‌کند و اردوغان می‌تواند شبانه تصمیم بگیرد. در گذشته ناگزیر بود با پارلمان هماهنگ کند، اما از این زمان به بعد ما شاهد شخصی شدن قدرت هستیم و اهداف سیاسی اردوغان به عنوان منافع ملی تعریف می‌شود. از این نظر برخی از تحلیل‌گران معتقد هستند که ترکیه فاقد

نظریه در سیاست خارجی است و بیشتر بر اساس خط رهبری و با اراده رهبری حرکت می‌کند به همین خاطر در داخل مخالفانی دارد.

روابط ترکیه با جمهوری اسلامی ایران

در رابطه با ایران و ترکیه به طور همزمان ما سه روند یا محور فعال در روابط با ترکیه داریم؛ ۱. روند همکاری و تعامل، ۲. روند رقابت و ۳. روند تقابل. این سه روند به طور همزمان کار می‌کنند و تاثیر می‌گذارند و هر کس بخواهد این سه روند در روابط ایران و ترکیه را نادیده بگیرد دچار اشتباه می‌شود و با سوالاتی مواجه می‌شود که آیا ترکیه واقعاً دوست ماست یا رقیب ماست؟ کسانی که این سوال را می‌پرسند کسانی هستند که نمی‌توانند این سه محور را در کنار هم ببینند. ما باید روابط دو کشور را بر اساس سیاست همسایگی در چارچوب هر سه محور و بر اساس واقعیت روابطمان ببینیم. بحث تقابل با ایران در ترکیه بحثی درون‌زا نیست و دلیلی برای تقابل دو کشور وجود ندارد، اما از بیرون عناصری هستند که به اختلافات دامن می‌زنند. از این نظر هرچقدر ترکیه مستقل شود این تلاش‌ها رنگ می‌بازند و مهار می‌شوند. بحث رقابت هم باید به نفع همکاری کاهش پیدا کند. هر چقدر ما همکاری داشته باشیم رقابت را کاهش خواهیم داد.

نکته مهم این است که در روابط ایران و ترکیه دولتها و کارشناسان صرفاً نباید برای همکاری و تعامل نقشه داشته باشند، بلکه دو محور دیگر هم نیازمند توجه مسئولان و کارشناسان هستند و برای هر سه محور ما باید برنامه داشته باشیم و گفت‌وگو کنیم و همکاری کنیم. علاوه بر این، با توجه به اینکه بعد از جنگ جهانی اول همه مرزهای عثمانی به استثنای مرز با ایران فروریخت، این موضوع کمربند محکمی بین ما و ترکیه است که باید از آن مراقبت کنیم.

در رابطه با ایران بحث رقابت ترکیه با ایران یک واقعیت است اما این اتفاق نظر هم وجود دارد که روابط دو کشور چند لایه و تابع چند قاعده است و این چند لایگی هم تهدیدساز بوده و هم فرصت ساز. یکی از قواعدی که در این روابط وجود دارد تلاش برای جداسازی مسائل دو کشور در سطح منطقه‌ای از مسائل دو جانبه است. کنترل سریش‌ها در منطقه در روابط دو جانبه یکی از اولویت‌های هر دو کشور بوده است. در سطح منطقه تعریف منافع و حوزه نفوذ برای هر دو کشور در دوران اخیر بخصوص در سوریه و عراق چالش‌ساز شده است. نظر ترکیه در مورد کار بر محور مقاومت و در محور مقاومت با کار علیه محور مقاومت با نظر ایران متفاوت است. کار در محور مقاومت برای ایران با ترکیه جذاب بوده است (مثلاً در سال ۲۰۰۹ قرار بود و ویزای مشترک بین ایران و ترکیه و عراق و سوریه شکل

بگیرد). هر چند در داخل ترکیه یک نگاه رقابتی به این مسئله هم وجود دارد، اما در مجموع رویکرد تعاملی وجود داشته است. در محور مقاومت به عنوان مثال در روند آستانه ایران با ترکیه تعامل می‌کند، اما اقدامات ترکیه علیه محور مقاومت در روابط دو کشور تنش‌زا بوده است. به عبارتی هر وقت ترکیه فرصت طلب بوده و منافع خودش را و محدوده نفوذ خودش را در مقابل ایران و بدون در نظر گرفتن محدوده نفوذ ایران تعریف کرده، این موضوع چالش ساز شده است. برعکس، هر موقع ترکیه بر نگرانی‌های امنیتی خودش متمرکز شده، همسویی‌ها میان دو کشور افزایش پیدا کرده است.

مسئله امریکا نیز در روابط ایران و ترکیه مسئله‌ای چالش آفرین بوده است. در سطح منطقه‌ای اگرچه تداوم چالش ایران با آمریکا فرصت‌هایی برای ترکیه داشته، اما از دید رهبران این کشور این موضوع برای ترکیه هزینه‌ساز بوده است و به عبارتی هزینه‌های آن برای ترکیه بیش از منافع آن بوده است. از سوی دیگر، به رغم اتصالات راهبردی که ترکیه با ایران دارد، پرونده ایران در روابط آمریکا و ترکیه به عنوان یک کارت بازی محسوب می‌شود. یعنی در آستانه انتخابات آمریکا اگر پیشنهاد ویژه‌ای به اردوغان ارائه شود و فضایی را برای این کشور مثلاً در لیبی یا هر جای دیگری باز کند، اردوغان احتمالاً از این آمادگی برخوردار است که در

پرونده تحریم‌های ایران با ترامپ گفتگو کند. این موضوع داینامیک بودن رفتارهای استراتژیک ترکیه نسبت به همسایگان و دورنمای روابط این کشور با ما را هم نشان می‌دهد.

به طور کلی در دوره جدید ترکیه در تعریف رابطه با ایران دچار مشکل بوده زیرا اولویت‌هایش دقیقاً مشخص نیست و اولویت‌های اقتصادی، سیاسی و هویتی این کشور با هم تداخل پیدا می‌کنند. این چالش در رابطه با ایران استمرار دارد، همین طور که در ایران هم تعریف‌های مختلفی از ترکیه صورت می‌گیرد.

در سطح منطقه‌ای هرچه ترکیه ظهور بیشتری پیدا کند بیش از آن که در مقابل ایران و در مقابل محور مقاومت باشد در مقابل محور رقیب ایران خواهد بود. در سطح کلان هم دوقطبی شدن خاورمیانه به زیان ایران بوده، اما سه قطبی شدن خاورمیانه به سود ایران است. به هر حال در سطح کلان ارتقای موقعیت ترکیه از نظر راهبردی به سود منافع کلان منطقه‌ای ایران نیست مگر آن که دو کشور به تفاهم‌هایی در عدم تعریف منافع خود علیه منافع دیگری - کاری که تا حد زیادی در عراق صورت گرفت - برسند. اگر در این زمینه تلاش جدی انجام شود می‌توان این چالش‌هایی که زاییده بازتعریف ترکیه است را مرتفع کرد.

در خصوص بحث همکاری سه جانبه ایران، ترکیه و قطر مسئله مهم این است که ائتلاف‌ها یا برای مقابله با تهدید مشترک شکل می‌گیرند یا برای تامین منافع مشترک. از سال ۲۰۱۶ دو رویداد مهم با فاصله زمانی یک سال در منطقه اتفاق افتاد که یکی کودتا در ترکیه بود و دیگری بحث محاصره قطر از سوی ائتلاف سعودی. این موضوع باعث شد که جریان نزدیک به اندیشه اسلام سیاسی اخوانی در واقع در مقابل جریان رقیب ایران قرار بگیرد و بر مبنای قاعده دشمن دشمن من دوست من است، به صورت تاکتیکی و یا استراتژیک به ایران نزدیک شود. این فرصتی بود که ایران هم از آن استفاده کرد. با این حال، تا زمانی که موضوع منافع مشترک شکل نگیرد و ائتلاف تنها بر مبنای تهدیدات مشترک باشد چندان بادوام نخواهد بود.

موضوع دیگر این است که هر چقدر بعد سنی و شیعه در ناسیونالیسم اسلامگرایی ترکیه افزایش پیدا کند، احتمال تنش در روابط بیشتر خواهد شد، اما در مقابل هر چقدر عملگرایی در سیاست خارجی ترکیه افزایش پیدا کند (مانند روند آستانه) امکان همکاری بیشتر خواهد شد. بنابراین مجموعه‌ای از مولفه‌ها میتواند در تقویت یا تضعیف این همکاری اثرگذار باشد.

در مورد ایران، ترکیه برداشت تهدید از ایران ندارد و دلیلی هم برای چنین برداشتی ندارد. در حالی که از روسیه و حتی غرب احساس تهدید دارد. ترکیه از سیاست هسته‌ای ایران احساس نگرانی ندارد زیرا می‌داند ایران دنبال سلاح هسته‌ای نیست. با توجه به آشنایی عمیقی که رهبران ترکیه نسبت به ایران دارند، می‌دانند که ایران دنبال استفاده از انرژی هسته‌ای است، همان طور که خودشان هم دنبال استفاده از این انرژی هستند.

جمع‌بندی

در یک جمع‌بندی کلان می‌توان گفت که به همان میزان که سیاست خارجه ترکیه به حوادث منطقه‌ای شکل می‌دهد حوادث منطقه هم به سیاست خارجی ترکیه شکل می‌دهند. با توجه به عمل‌گرایی اردوغان در شرایط سخت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با نوع بازیگری خودش سیاست خارجی ترکیه را به سمتی سوق دهد که با منافع ایران نزدیکی بیشتری داشته باشد. در حال حاضر بیش‌فعالی ترکیه باعث شده تنش‌ها در منطقه افزایش پیدا بکند و حداقل در حوزه نفوذ ایران این موضوع باعث افزایش چالش‌های رابطه با ایران شده است، اما احتمالاً ترکیه تضاد با ایران را به سود خودش نمی‌بیند.

ترکیه با وجود نمایش قدرتی که دارد- که بخشی از آن تبلیغاتی است- در نهایت به عنوان یک قدرت متوسط همزمان نمی‌تواند چند انتخاب استراتژیک داشته باشد. ترکیه مثل روسیه نمی‌تواند هم در دریای سیاه هم در دریای مدیترانه و هم خلیج فارس نقش‌آفرینی کند و یا مثل آمریکا نمی‌تواند چند موضوع استراتژیک را همزمان به پیش ببرد. ترکیه یک قدرت میانه است که به فراخور مقدرات ملی و محذورات محیطی که دارد بیش از یک انتخاب استراتژیک نمی‌تواند داشته باشد. تا زمانی که ترکیه در مناطق جنوبی و شرقی مدیترانه فعال است، نمی‌تواند نقش‌آفرینی تعیین‌کننده‌ای در جنوب قفقاز، دریای سیاه یا خلیج فارس داشته باشد. بنابراین اگر انتخاب استراتژیک ترکیه فراتر از ظرفیت‌های این کشور باشد، این گستردگی حتماً مخاطرات و هزینه‌هایی برای این کشور خواهد داشت.

به هر حال آقای اردوغان از جایگاهی که ترکیه در نظام بین‌الملل و منطقه دارد راضی نیست و تمام تلاشش این است که با کنشگری و اتحاد در منطقه موقعیت بین‌المللی خود را ارتقا دهد. تفکر محوری در آنکارا این است که هر چقدر اتصالات راهبردی این کشور در منطقه افزایش پیدا کند امکان چانه‌زنی‌اش با متحدان غربی افزایش پیدا خواهد کرد، و هر چقدر ترکیه بتواند موقعیت ژئوپلیتیکی خودش را تقویت کند، به همان میزان می‌تواند قدرت چانه‌زنی بالایی در مواجهه با قدرت‌ها

و دولت‌های اروپایی داشته باشد، و یا اینکه هر چقدر در سوریه فعالیت‌ها عمل کند به همان میزان می‌تواند در شرق مدیترانه و در لیبی موفق‌تر باشد. به هر حال، آقای اردوغان بسیار بازیگر چابک و عمل‌گرایی است و شبانه می‌تواند تغییر جهت بدهد و یا اولویت‌هایش را تغییر بدهد. این انعطاف و چابکی یک مزیت استراتژیک برای سیاست خارجی ترکیه است و منطقه‌گرایی فعال ترکیه در شرق مدیترانه شامات یا خاورمیانه و خلیج فارس را ممکن ساخته است. از این نظر احتمالاً ترکیه در ۵ سال آینده کنشگری فعال و نظامی در دریای سیاه خواهد داشت که احتمالاً بر رابطه‌اش با روسیه نیز تاثیرگذار خواهد بود.